



دوگانه ای خود ساخته / شرحی بر حواشی عرفان اسلامی

هدف خود دین همان هدف عرفان یعنی شناخت خدای تعالی است، بنابراین عرفان را نمی توان امری خارج از دین تلقی کرد، بلکه ریشه های این سلوک در خود دین نهفته است.

هدف خود دین همان هدف عرفان یعنی شناخت خدای تعالی است، بنابراین عرفان را نمی توان امری خارج از دین تلقی کرد، بلکه ریشه های این سلوک در خود دین نهفته است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه روح الله عسگری: یکی از مسلک ها و سلوک های پر مسئله و پر حاشیه از گذشته تا کنون عرفان بوده است. عرفا گاهی چنان تحت مضیقه قرار می گرفتند که هرکس درس عرفان می خواند شهریه او قطع و یا حتی تبعید می شد و گاهی چنان مورد توجه واقع می شد که اگر می خواستند بزرگی را بستایند وی را با لفظ عارف مورد خطاب قرار می دادند. نوشتار حاضر در تلاش است تا با بررسی برخی سوالات پیرامون عرفان آگاهی مختصری از این سلوک در اختیار مخاطب قرار دهد.

اولین نکته ای که در اینجا لازم است بدان تذکر دهیم آن است که عرفان با تصوف متفاوت است. تصوف یا صوفیه از واژه صوف به معنای پشم گرفته شده و صوفیه اصطلاحاً به پشمینه پوش ها یعنی کسانی که در زندگی به خود با پوشیدن لباس های زبر پشمی زحمت می دهند و نفس خود را از نعمات دنیوی محروم می کنند گفته می شود، اما عارف کسی است که به دنبال شناخت خدا سیر می کند آن هم شناختی حضوری و نه از طریق صورت های ذهنی.

اکنون ممکن است این سوال به ذهن برسد که عرفان نظری چیست. در پاسخ باید گفت که عرفان نظری در واقع حاصل ریخته شدن شهودات حضوری عارف در قالب تصورات و تصدیقات و علم حصولی است از همین رو ارج و قیمت عرفان عملی را ندارد، چراکه سالک را تنها از طریق تمثیل ها با یک سری علوم و معارف ذهنی آشنا می کند، اما او را به منبع حقیقت واصل نمی کند. بنابراین از این طریق معنای عرفان و تعریف عرفان که همان معرفت حضوری به خدای تبارک و تعالی است هم مشخص شد.

نخستین سوالی که در خصوص عرفان مطرح می شود آن است آیا عرفان امری زائد بر دین و یا جوشیده از دل دین است؟ در این رابطه عده ای ریشه عرفان را به یونان باستان و شخصی به نام افلوطین باز می گردانند، اما با توجه به تعریف گفته شده از عرفان یعنی معرفت حضوری به خدای تعالی باید گفته که اساساً هدف خود دین همان هدف عرفان یعنی شناخت خدای تعالی است، بنابراین عرفان را نمی توان امری خارج از دین تلقی کرد، بلکه ریشه های این سلوک در خود دین نهفته است. به عبارت دیگر هدف نهایی تمام ادیان الهی رساندن انسان به خدای متعال است امری که هدف نهایی عرفان هم قرار دارد.

سوال دیگر در خصوص عرفان آن است که ریشه رجوع و توجه آدمی به عرفان چیست و تاریخچه آن به کدام قسمت از تاریخ باز می گردد. در پاسخ به این سوال آیت الله مصباح یزدی در کتاب «در جست و جوی عرفان اسلامی» معتقد است که امر خدانشناسی، خداجویی و خداخواهی فطری است و ریشه در ذات انسان دارد. از همین رو چه عرفان و چه ادیان الهی ریشه در فطرت انسان داشته و حرفی خلاف آن نمی زنند. بنابراین تاریخچه عرفان ریشه در تاریخچه بشر داشته چراکه بشر از ابتدا به دنبال شناخت حضوری خداوند تعالی بوده است. البته باید توجه کرد که مراد از این عرفان؛ عرفان عملی بوده چراکه بعدها عرفان عملی در قالب لفظ ریخته شده است.

سوال بعدی که در خصوص عرفان مطرح می شود پرسش از تقسیم بندی دوگانه شریعت و طریقت که در کلام برخی بزرگان متصوفه و عرفان مطرح شده است خواهد بود. عده ای در این رابطه معتقدند که شریعت ظاهر دین و پوسته آن و باطن دین طریقت است. اصل و اساس دین طریقت بوده و شریعت تنها به اندازه راه و یا پوسته ای برای رسیدن به طریقت اهمیت دارد. معتقدان این تقسیم بندی خود به دو دسته تقسیم می شوند؛ عده ای می گویند هنگامی که شما راه را سپری کردید و به مقصد رسیدید دیگر نیازی به راه یا شریعت ندارید، بنابراین هنگامی که عارف به مرحله لقاء الله برسد دیگر تکالیف شرعی مانند نماز و روزه از گردن او ساقط است. دلیل این دسته آیه نود و نه سوره حجر است که می فرماید: «و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین» «پروردگار خود را عبادت کن تا هنگامی که به یقین برسی». در پاسخ به این دسته باید گفت که یقین در اینجا به معنای مرگ است، همانگونه که در آیه چهل و هفت سوره مدثر هم به همین معنا به کار رفته است. وجه تسمیه مرگ به یقین هم آن است که بعد از مرگ از آنجا که همه حقایق برای منکرین و ...

آشکار می شود آنها به یقین نسبت به وجود جزاء و پاداش و ... می رسند.

در خصوص دسته دوم که قائل به اسقاط تکلیف نیستند، اما برای شریعت هم اجر چندانی قائل نیستند باید گفت که اسلام مجموعاً یک برنامه و روش زندگی بیشتر نیست و مقصود از آن هم تعالی انسان ها و رساندن آنها به عالی ترین مدارج معرفت الله و قرب و کمال انسانی است و هرکس معارف شریعت را مو به مو اجرا کند به این مقام دست پیدا خواهد کرد. عارف واصل مرحوم آیت الله محمد جواد انصاری همدانی به نقل از صفحه هفتاد و هشت کتاب سوخته می گوید که: «هرچه هست در شرع مقدس است. تمام مراحل عرفان و سیر و سلوک تا مرحله نهایی که فناء فی الله است به زبان ائمه معصومین در اخبار و در احادیث و در کلام الله هست.»